

## الگوی نظارت در جامعه‌ی دینی با تأکید بر نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

محمد علی تصدیقی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۳

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۶/۱۹

### چکیده:

امروزه حلقه‌ی مفقوده‌ای در فرایند توسعه‌ی جامعه‌ی دینی ما به نام نظارت به چشم می‌خورد. نظارت و کنترل دقیق و سیستماتیک از برنامه‌ها و اهداف جامعه‌ی دینی با ماهیتی بلند مدت، از مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر در این زمینه است؛ و از همه مهم‌تر، توجه به شیوه‌های نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی در تحقق اهداف جامعه‌ی اسلامی و نظارت، کنترل و ارزشیابی از کار مجریان و کارگزاران جامعه‌ی اسلامی امری است که باید دغدغه‌ی اصلی مسئولان باشد.

در این مقاله پس از تبیین نظارت، کنترل و ارزشیابی و تعاریف آن و بیان دیدگاه‌های اسلامی و غربی، الگویی از نظارت و کنترل و ارزشیابی از دیدگاه مدیریت اسلامی ارائه می‌گردد. الگویی که می‌تواند برنامه‌ها، سازمان‌ها و دست‌اندرکاران جامعه و امت اسلامی ایران را به طور مستمر مورد نظارت، کنترل و ارزشیابی قرار دهد و تحقق اهداف جمهوری اسلامی را محقق سازد. یکی از مؤلفه‌های این الگو نظارت همگانی و عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر است که متأسفانه در جامعه‌ی دینی ما کمرنگ شده است. بررسی دیدگاه‌های استاد شهید مطهری در زمینه‌ی نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر یکی از مطالبی است که در مقاله‌ی حاضر بدان پرداخته شده است و سرانجام پس از نتیجه‌گیری، پیشنهادات لازم در این زمینه به مدیران جامعه اسلامی ارائه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** نظارت همگانی، جامعه‌ی دینی، مدیریت اسلامی، مدیریت غربی، امر به معروف و نهی از

منکر و نظارت الهی.

## بیان مسأله

باشد. یکی از اهداف ارزشیابی مشخص شدن معایب و محاسن یک فرد، طرح و برنامه است و هدف اصلی تقویت محاسن و تضعیف معایب در جهت بهبود فعالیت‌ها است. چنین امری به توسعه‌ی اهداف منجر می‌شود؛ زیرا بر اثر چنین ارزشیابی مستمری از عملکرد، طرح‌ها و برنامه‌ها، روز به روز، تلاش بیشتری در جهت تحقق اهداف انجام خواهد شد.

## اهداف

۱. تغییر و تحول بنیادی در ساختار، قوانین و تشکیلات نظارت، کنترل و ارزشیابی در سازمان‌ها و نهادها
۲. تغییر و تحول بنیادی نظارت و کنترل در مدیریت سازمان‌ها و نهادها
۳. تغییر و تحول بنیادی نظارت و کنترل در برنامه‌ریزی سازمان‌ها و نهادها
۴. تغییر و تحول بنیادی در آموزش مدیران
۵. تغییر و تحول بنیادی در نگرش افراد و سازمان‌های جامعه نسبت به نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر
۶. تغییر و تحول در جامعه‌ی دینی ایران.

## تعاریف نظارت و کنترل

عده‌ای نظارت و کنترل را به عنوان یکی از کارکردهای مدیریت، با مفهوم ارزشیابی<sup>۱</sup> یکی دانسته و برخی آن را دو مفهوم جدا از هم دانسته‌اند. هس، بولا<sup>۲</sup>، معتقد است که ارزشیابی<sup>۱۱</sup> نظارت هم نیست و قطعاً معنای بازرسی خلاف کاری‌های کارمندان در یک سازمان در یک حوزه عمل را نمی‌دهد. البته این تصور که همه‌ی تقصیرهای عدم موفقیت برنامه را متوجه مجریان برنامه بدانیم، ناشی از یک برداشت ساده لوحانه در مورد پویایی فرهنگی و اجتماعی است. همان طور که در یک برنامه عدم تطابق هدف‌ها و نتایج حاصل از آن همیشه در اثر نبودن حس مسئولیت مجریان آن برنامه نیست. به هر حال هدف اصلی ارزشیابی عبارت است از: انجام تحلیل به منظور یافتن علل و نه اظهارات محض در مورد مقصرها

امروزه هر جامعه‌ای در حرکت به سوی توسعه، گام‌های بلندی برمی‌دارد. توسعه‌ای که شامل ابعاد ذیل می‌باشد: توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی منابع انسانی و ...

در این میان توسعه‌ی منابع انسانی و مدیریت منابع انسانی از اهمیت ویژه‌ای در سازمان‌ها برخوردار است؛ زیرا تحقق اهداف سازمانی منوط به توجه به مدیریت و کارکردهای آن است. به طوری که می‌توان یکی از ریشه‌های اصلی مشکلات سازمان‌ها و جوامع را در مدیریت و شیوه‌های آن جست و جو کرد. برای مدیریت، کارکردهای گوناگونی بیان کرده‌اند از جمله:  
۱- برنامه‌ریزی<sup>۱</sup> ۲- سازماندهی<sup>۲</sup> ۳- هماهنگی<sup>۳</sup> ۴- ایجاد انگیزه<sup>۴</sup> ۵- رهبری<sup>۵</sup> ۶- نظارت<sup>۶</sup> ۷- کنترل<sup>۷</sup> و ... نظارت و کنترل به عنوان یکی از کارکردهای مدیریت همواره مورد نظر دانشمندان علم مدیریت<sup>۸</sup> بوده است و آن را به معنی مراقبت و مواظبت از انجام امور سازمانی در جهت تحقق هدف‌های سازمان قلمداد کرده‌اند. توجه به نظارت و کنترل در هر جامعه، برنامه و سازمانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و بازوانی قوی برای مدیریت در جهت تحقق اهداف محسوب می‌شود. فقدان توجه به این امر، در تحقق برنامه‌های جامعه‌ی اسلامی ضررهای جبران‌ناپذیری را برای سازمان و جامعه به دنبال خواهد داشت.

حلقه‌ی مقفوده‌ای در فرایند توسعه‌ی جامعه‌ی دینی ما به نام نظارت، کنترل و ارزشیابی به چشم می‌خورد؛ زیرا اگر برنامه‌ها به طور مستمر مورد ارزشیابی قرار نگیرد، اهداف آن محقق نخواهد شد. در اینجا لازم به ذکر است که نظارت و کنترل‌های موجود در جامعه، مقطعی و غیرمستمر می‌باشد و در مسیر تحقق اهداف جامعه‌ی اسلامی کارآمد نیستند.

از این رو یکی از موانع توسعه، فقدان ارزشیابی‌های دقیق از عملکرد است و ارزشیابی‌های موجود بیشتر جنبه‌ی تشریفاتی دارد و نتیجه‌ی آنها در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر نیست و هدف از انجام چنین ارزشیابی‌هایی بهبود کار و فعالیت در سازمان نمی‌

1-Planning  
2-Organizing  
3- Coordinating  
4- Motivation

5-Directing  
6-Supervision  
7-Controll  
8-Administration

9-Evaluation  
10-Bhola, H. S.  
11-Appraisal



(هـ. س. بولا، ۱۳۶۲: ۱۰).

لازم است که هدف فعالیت های مهم سازمان حتی المقدور به صورت مقادیر کمی معلوم گردد؛ در حقیقت آنچه که موضوع نظارت قرار می گیرد، بررسی این مسأله است که آیا نتایج عملیات انجام یافته با هدف ها و موازین پیش بینی شده، تطبیق می کند یا خیر؟ بدیهی است چنانچه مقاصد فعالیت های مختلف سازمان به نحوی محسوس و قابل سنجش نباشد، اجرای نظارت غیر ممکن می گردد؛ زیرا در این صورت ملاک مشخصی برای مقایسه ی نتایج عملیات وجود نخواهد داشت.

۲. مقایسه نتایج عملیات انجام یافته با هدف ها و موازین

پیش بینی شده

اصولاً چند نوع نظارت معمول می باشد: نظارت قبل از شروع عملیات، نظارت در ضمن عملیات و نظارت در پایان عملیات. بسیاری از مدیران برای نظارت قبل از شروع کار اهمیت زیادی قائل هستند و بدین جهت تحصیل موافقت آنان قبل از اجرای عملیات لازم می باشد؛ مثلاً چنانچه یکی از وظایف سازمان اعطای اعتبارات باشد در این صورت مدیر سازمان ممکن است مقرر دارد که اعطای هر نوع اعتباری باید قبلاً به تصویب وی برسد؛ چنانچه منظور از نظارت اطلاع از وقوع انحرافات باشد که در حال تکوین است تا به موقع از تکرار آنها جلوگیری شود و اقدامات اصلاحی به عمل آید و همچنین در مواقعی که منظور اطلاع از چگونگی پیشرفت کار است، تهیه ی گزارش و اجرای نظارت ضمن انجام عملیات لازم می باشد؛ اما اگر منظور صرفاً ارزیابی نتایج عملیات برای تجدید نظر در سیاست عمومی و تغییر روش های کار باشد، گزارشی به منظور نظارت در پایان اجرای عملیات تنظیم می شود.

۳. اقدام به منظور جلوگیری از وقوع یا تکرار انحرافات

تعیین هدف هر یک از فعالیت های سازمان و انتخاب موازینی برای سنجش عملیات و همچنین توزیع اطلاعات به منظور مقایسه ی نتایج عملیات انجام یافته با هدف های پیش بینی شده به خودی خود منشأ هیچ گونه اثری نمی باشد. نظارت در صورتی مؤثر است که اقدامات لازم به منظور جلوگیری از وقوع یا تکرار انحرافات به عمل آید (اقتداری، ۱۳۵۷: ۲۵۸-۲۵۲).

آنچه در تعاریف یاد شده درباره ی نظارت و کنترل و ارزشیابی به چشم می خورد آنست که هر سه مفهوم با وجوه مشترکی که

علاقه بند ظاهراً نظارت و ارزشیابی را یکی دانسته و می نویسد: یکی از وظایف و مسئولیت های مهم مدیر، ارزشیابی چگونگی تحقق یافتن هدف هاست تا معلوم شود که اقدامات و عملیات انجام شده تا چه حد مقرون با ملاک ها و موازین پیش بینی شده، بوده اند. نظارت یا ارزشیابی ممکن است به طریق غیر رسمی انجام گیرد تا از طریق کاربرد روش هایی مثل حسابرسی دقیق از امور مالی مؤسسه توسط یک حسابرسی حرفه ای (علاقه بند، ۱۳۵۸: ۴۷).

نظارت و ارزشیابی یا کنترل در یک سازمان بازوانی قوی برای مدیریت است که به کمک آنها می تواند در مورد ادامه، قطع، تعدیل یا توسعه ی برنامه ها تصمیم گیری نماید.

عسکریان نظارت را چنین تعریف می کند: نظارت یعنی مراقبت و مواظبت از انجام امور سازمانی، تا جریان امور از محدوده ی شرایط و نقشه های مطروحه خارج نگردد (عسکریان، ۱۳۶۳: ۱۰۰).

پرهیزکار، کنترل و نظارت را یکی می داند و در توضیح آنها می نویسد: کنترل و نظارت عبارت است از آن که اطمینان حاصل شود که عملیات انجام شده در راه نیل به هدف را به موقع و به طور مطلوب تامین نموده اند یا خیر. در صورتی که در عملیات اجرایی، انحرافی حاصل گردد، در اسرع وقت توسط مقامات کنترل کننده و ناظر، تدابیر لازم به منظور جلوگیری از انحراف و نیل به هدف مطلوب به عمل آید (پرهیزکار، ۱۳۵۷: ۳۰).

میرکمالی، نظارت و کنترل را بازدید و مراقبت از طرز پیشرفت و اجرای عملیات در مقایسه با وضع مطلوب و تغییر و تصحیح عملیات به منظور جلوگیری از انحراف از رسیدن به اهداف سازمان می داند (میرکمالی، ۱۳۶۴: ۲۰).

تقوی دامغانی، نظارت را در یک جمله ی کوتاه چنین تعریف می کند: به کوششی که مدیر در جهت تطبیق عملیات با برنامه انجام می دهد، تا میزان صحت و سقم فعالیت ها را به دست آورد، نظارت گفته می شود (تقوی دامغانی، ۱۳۷۰: ۹۵).

در مورد چگونگی نظارت اقتداری مراحل اساسی هر یک از فعالیت های سازمان را شامل سه مرحله به شرح زیر می داند:

۱. تعیین هدف و انتخاب موازینی برای ارزیابی عملیات



شخصیت انسانی و کمال او صورت می‌گیرد. افجه‌ای، در زمینه‌ی نظارت و کنترل در مقایسه‌ی مدیریت غربی با مدیریت اسلامی چنین می‌نویسد:

کنترل و نظارت بر منابع انسانی درون سازمان، از جمله مباحث مهم در مدیریت است. امروز در غرب با استفاده از سیستم‌های تلویزیونی، صوتی، بازرسی مستقیم، گزارش کارکرد روزانه در جدول‌های زمان‌بندی شده‌ی مخصوص، سعی در اعمال نظارت بر نحوه‌ی عملکرد انسان‌های درون سازمان می‌نمایند که شخصاً از یک پدیده‌ی غیراسلامی و غیر الهی پیروی می‌نماید و همانا عدم تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا یا نظارت بر اعمال و کردار روزانه‌ی آنان می‌باشد. در حقیقت این روش در عوض اینکه انسان‌ها را با توکل به خدا و برای رضای وی - چه در نهان و چه در آشکار - تشویق نمایند او را با ترس از خداهای زمینی - چه در شکل ابزار مکانیکی (دوربین‌های تلویزیونی)، چه در شکل انسان‌های زمینی (بازرسان علنی) و چه با انگیزه‌های مادی (تشویق و تنبیه با پول) - وادار به اشتغال می‌سازند (افجه‌ای، ۱۳۶۲: ۲ ضمیمه اقتصادی).

### راه‌های نظارت و کنترل

#### ۱. شیوه‌ی نظارت و کنترل مستقیم

در این شیوه، کارمند بدون هیچ واسطه‌ای تحت نظارت مدیر سازمان قرار می‌گیرد. در سازمان‌های بزرگ این شیوه‌ی نظارت مستقیم ممکن نیست؛ اما در سازمان‌های کوچک این نوع نظارت و کنترل می‌تواند کارساز باشد.

علاقه‌بند در این زمینه می‌نویسد: حیطه‌ی نظارت<sup>۱</sup> به زبان ساده اشاره می‌کند؛ به تعداد زیر دستانی که مستقیماً زیر نظر یک مدیر انجام وظیفه می‌کنند... اگر حیطه‌ی نظارت بسیار وسیع باشد کنترل آن از توان مدیر خارج است. در نتیجه زیردستان به اندازه کافی راهنمایی و کنترل نمی‌شوند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۶۳ و ۶۴).

اصل حیطه نظارت در مکتب کلاسیک به عنوان گرایش در جهت نظارت از نزدیک (کنترل شدید) و به خاطر تأمین هماهنگی مطرح شده است. کلاسیک‌ها معتقدند که هماهنگی

دارند، تفاوت آنها در کاربرد هریک از آنها می‌باشد و هر سه مفهوم، مقایسه‌ی بین وضع مطلوب و وضع موجود سازمان را برای پیشرفت برنامه و کارآیی بیشتر بیان می‌کنند.

به عبارت دیگر، مدیریت باید به دلیل تحقق اهداف سازمان، عملکرد افراد را به طور مستمر مورد نظارت و کنترل و ارزشیابی قرار دهد و هدف این نظارت و کنترل هم نپییود عملکرد و عملیات سازمانی باشد. نتیجه‌ی یک نظارت و کنترل دقیق و علمی، مشخص شدن محاسن و معایب کار در یک سازمان است که با مفهوم بازرسی و تفتیش کار و کارمند تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد (تصدیقی، ۱۳۷۴: ۷۶).

### مفهوم نظارت و کنترل از دیدگاه مدیریت غربی و مدیریت اسلامی

مفهوم نظارت و کنترل از دیدگاه غربی و اسلامی با توجه به اهداف مدیریت در غرب و اسلام با هم تفاوت‌های بنیادین دارد. از دیدگاه غرب، نظارت و کنترل با هدف سود بیشتر اعمال می‌شود. این نظارت بیرونی است؛ یعنی بر افراد سازمان تحمیل می‌شود؛ زیرا از این دیدگاه، انسان در سازمان و محیط کار موجودی است که کار برای او یک بلای اجتناب‌ناپذیر است و باید برای کار بیشتر با نظارت و کنترل دقیق و توأم با سخت‌گیری او را وادار به کار کرد. نظارت و کنترل در این معنا تحقیر شخصیت انسانی کارمند را در سازمان به دنبال دارد.

در صورتی که از دیدگاه مدیریت اسلامی، در درجه‌ی اول نظارت و کنترل به معنای تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا و نظارت خدا بر اعمال و کردار آنان می‌باشد و هدف، رشد و کمال انسان در سازمان و جامعه است. این نظارت درونی است؛ یعنی فرد علاوه بر اینکه خدا را در درون خود ناظر و حاضر می‌داند، خود نیز به نظارت و کنترل خود می‌پردازد. در این دیدگاه انسان از کار بیزار نیست و موجودی است که کار جوهر وجودی اوست و کار، او را به کمال می‌رساند و استعدادهای بالقوه‌ی او را شکوفا می‌سازد. انسان خلیفه و جانشین خدایی است که او نیز همیشه در کار است: کل یوم هو فی شأن (سوره الرحمن / ۲۹). اعمال نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی به منظور ارتقای



## الگوی نظارت، کنترل و ارزشیابی از دیدگاه مدیریت اسلامی

این الگو از دیدگاه مدیریت اسلامی مبتنی بر پنج مؤلفه به

شرح زیر می باشد:

۱. نظارت الهی

۲. خود نظارتی

۳. نظارت مستقیم

۴. نظارت غیرمستقیم

۵. نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

در این الگو آن چه اهمیت دارد این است که انواع نظارت

بایستی هماهنگ با هم انجام گیرد؛ به عبارت دیگر برای نظارت،

کنترل و ارزشیابی اهداف، ما باید زمینه ای را فراهم کنیم

که علاوه بر نظارت های بیرونی بر اجرای برنامه ها و عملکرد

کارگزاران، به نظارت های درونی نیز توجه نماییم. علاوه بر این،

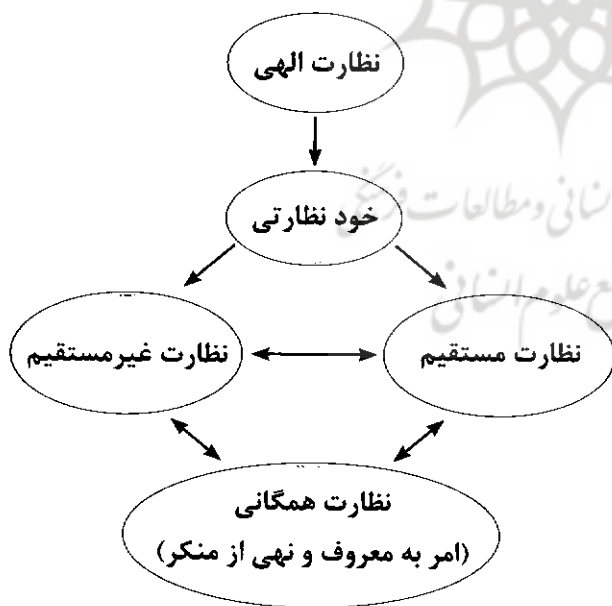
در این الگو بالاترین نوع نظارت و کنترل، نظارت الهی است که

اگر ایمان به آن در سازمان ها و افراد محقق شود، زمینه ی تحقق

خود نظارتی نیز محقق خواهد شد. اگر این نظارت های درونی

محقق شد، زمینه ی نظارت های بیرونی (مستقیم و غیر مستقیم

و همگانی) هم تسهیل خواهد شد. (شکل شماره ۱)



شکل شماره ۱: الگوی نظارت، کنترل و ارزشیابی در مدیریت اسلامی

مؤثر زمانی به وجود خواهد آمد که یک مدیر تعداد محدودی زیر

دست داشته باشد. آنها تعداد مناسب افراد تحت نظارت را پنج

یا شش نفر اعلام می کنند. پیش فرض این محدودیت نیز این

است که تفویض اختیار<sup>۱</sup> مدیر به زیردستان در حداقل خواهد بود

(مدنی، ۱۳۷۰: ۸۳ و ۸۴).

۲. شیوهی نظارت و کنترل غیرمستقیم

در این شیوه، کارمند با واسطه تحت نظارت و کنترل مدیر

سازمان است. در این شیوه، مدیریت سازمان بازرسانی را که

مورد اعتماد او هستند، مشخص می کند تا کار نظارت و کنترل بر

سازمان را انجام دهند و به او گزارش دهند. این افراد به منزله ی

چشم و گوش مدیر سازمان عمل می کنند و انتخاب آنان از طرف

مدیر کار بسیار مشکلی است.

### پیش فرض ها

به نظر می رسد در جامعه ی دینی ما نظارت و کنترل از

دیدگاه اسلامی کمتر مورد توجه مردم و مسئولان قرار گرفته

است. از طرفی پژوهشگران حوزه ی علوم انسانی، نظارت و کنترل

و نظارت همگانی را آن طور که باید و شاید مورد بررسی قرار

نداده اند.

از این رو، بررسی این مسئله و ارائه ی الگویی از نظارت و

کنترل در مدیریت جامعه ی اسلامی، ضروری به نظر می رسد.

### روش انجام کار

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی از نوع

کتابخانه ای است. برای دستیابی به الگویی از نظارت و کنترل

در مدیریت اسلامی و در پاسخ به این سؤال که ارائه ی این الگو

نیازمند چه مؤلفه هایی است؛ با مطالعه ی مقالات و کتابها راجع

به نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی و نظارت همگانی و امر

به معروف و نهی از منکر و مشاوره با صاحب نظران و با تعمق

و اندیشه درباره ی آنها، مؤلفه های الگوی نظارت و کنترل در

مدیریت اسلامی شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت.

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل این الگو، نتیجه گیری و

پیشنهادات لازم ارائه گردید.

## ۱. نظارت الهی

آن به نفس لوامه تعبیر شده است؛ یعنی نفسی که انسان را در مقابل نفس اماره کنترل می‌کند تا مبادا از مسیر اصلی منحرف شود. علی (ع) در جای دیگری می‌فرماید: "العالم من عرف قدره و کفی بالمرء جهلا لبعرف قدره". "شخص دانا و عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و برای جهل و نادانی انسان همین بس که از قدر و منزلت خویش بی‌خبرماند" (نهج البلاغه به نقل از سرمدی، ۱۳۷۹: ۹۲).

انسانی که قدر و منزلت خود را درک می‌کند، استعداد‌های مثبت وجود خود را به هدر نمی‌دهد، چنین انسانی نسبت به رشد و کمال خود به دیده‌ی بی‌اعتنایی نمی‌نگرد، حسنات خود را شوخی تلقی نکرده و به بازی نمی‌گیرد. این انسان به جای آنکه به عیبجویی از این و آن بپردازد، به عیب خویش توجه کرده و سعی در اصلاح خویش می‌کند (انسان کامل از دید نهج البلاغه، ۱۳۶۲).

## ۳. نظارت مستقیم

این نوع نظارت توسط مدیریت جامعه یا سازمان انجام می‌گیرد. افجه‌ای، درباره‌ی این نوع نظارت می‌نویسد: از آنجا که نظارت الهی، نیاز به زمان و امکانات معنوی بسیاری از بابت انسان‌های مشغول در آن سازمان دارد، تا زمان تحقق این امر به طور مطلق نیز مدیران نباید غافل نشسته و سازمان را به حال خود رها سازند. برای پیشبرد این امر لازم است مدیران، با فراغت، پویایی و کارایی - که لازمه‌ی مدیر بودن آنان است - با حضور ناپهنگام در محیط کار بر نحوه‌ی رفتار و کردار کارکنان آگاهی یابند و همچنین از طریق تماس با مراجعین سازمان، مدیران قسمت‌ها و شنیدن سخنان آنان از چگونگی ارائه‌ی سرویس توسط کارکنان مطلع شوند. بدیهی است این روش نظارت نیاز به امام‌گونه و مغز‌گونه عمل نمودن مدیر در درون سازمان داشته و مدیری که درگیر امور اجرایی باشد، قادر به اعمال چنین نظارتی نیست (افجه‌ای، ۱۳۶۴: ۱۱۸).

حضرت علی (ع) در فرمان معروف خود به مالک اشتر درباره‌ی نظارت مستقیم می‌فرماید: "ای پسر حارث در عملیات کارکنان خود نیک بازرسی و دقت کن؛ آنکه با فداکاری انجام وظیفه می‌نماید باید قولا و عملا تشویق شود و در مقابل از بدکاران نیز لازم است مطابق مقررات اسلام انتقام کشی و کیفرجویی"

والا تریس و کامل ترین نوع نظارت بر عملکرد افراد در یک جامعه‌ی اسلامی توسط خداوند متعال انجام می‌گیرد.

برطبق این روش، انسان با ایمان به صفت دانایی خداوند، همواره نظارت او را بر اعمال و کردار خود احساس می‌کند و خداوند را ناظر و حاضر بر فعالیت‌های خود می‌داند. این شیوه یعنی ترس از خدا به قول افجه‌ای: مؤثرترین عامل کنترل در سازمان و جامعه است (افجه‌ای، ۱۳۶۴: ۱۱۵). خداوند هم در قرآن کریم در آیات مختلف به این مطلب اشاره کرده است: "خداوند، تو، به آشکار و نهان ما واقفی و هیچ چیز در آسمان و زمین بر خدای متعال پوشیده نیست" (سوره ابراهیم/ ۳۸).

"خداوند بر پنهان و آشکار شما داناست" (سوره نحل/ ۱۹). این شیوه‌ی نظارت را نظارت الهی گفته‌اند، نظارتی که از اصول عمده‌ی انسان‌شناسی اسلامی است. حضرت علی (ع) در خطبه‌ی صدوهشتاد و دو در این زمینه می‌فرماید: "فاتقوا الله الذی انتم بعینه، و نواصیکم بیده، و تقلبکم فی قبضته، ان اسررتم علمه، و ان اعلنتم کتبه، قدو کل بکم حفظه کراما، لایسقطون حقا، و لایثبتون باطلا" (فیض الاسلام: ۶۰۲).

"پس بترسید از خداوندی که شما در برابر نظر او هستید و موه‌های پیشانی و خفت و خیز و نشست و برخاست شما در دست اوست. اگر شما اعمالی را پنهانی انجام دهید و با کسی نگوید او می‌داند و اگر آشکار نمایید، می‌نویسد، نگهبانان گرمای (فرشتگان) را بر شما وا داشته که حقی از قلم نمی‌اندازند و بیجا و ناکرده را نمی‌نویسند."

## ۲. خود نظارتی

امروزه خود ارزشیابی (self-evaluation) یکی از مراتب خودشناسی در آموزه‌های اسلامی است. این امر می‌تواند انسان را در جهت کمال یاری دهد و او را به مقام واقعی خود ارتقا بخشد. حدیث با ارزش: «حاسبوا قیل ان تحاسبوا» به همین معنا می‌باشد.

برطبق این روش انسان باید در مسیر رشد و تکامل خویش بر اعمال و رفتار خود نظارت و کنترل داشته باشد، این کنترل که نتیجه‌ی نظارت الهی است یک کنترل درونی است که از

(فاضل، ۱۳۶۱: ۱۹).

برآنان بگمار، چون بازرسی کارهای آنها در پنهانی، و ادارشان می‌کند تا نسبت به امانتداری در برخورد با مردم به نرمی و محبت رفتار نمایند" (نهج البلاغه، نامه‌ی شماره‌ی: ۵۳).

حضرت علی (ع) همچنین به خدا ترس بودن بازرسان مخفی و فروتن بودن آنان به عنوان یکی شروط انتخاب آنان اشاره می‌فرماید: "ففرغ لاولئک ثقتک من اهل الخشیه و التواضع فلیرفع الیک امورهم": "ای مالک، از معتمدان خویش کسی که خداترس و فروتن باشد، برای نظارت بر زندگی محرومان برگزین تا امورشان را به تو گزارش دهند" (نهج البلاغه، نامه‌ی شماره‌ی: ۵۳).

#### ۵. نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

یکی از شیوه‌های نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی، نظارت همگانی و عمومی مردم نسبت به مدیران جامعه‌ی اسلامی و همدیگر است. اسلام مسأله‌ی نظارت را تنها وظیفه‌ی دستگاه حاکمه نمی‌داند بلکه همه‌ی مردم را به عنوان وظیفه‌ی ای شرعی آموزش می‌دهد تا هر فرد مسلمانی به اصلاح امور دیگران و سازمان‌های جامعه قیام کند. اسلام با وضع قانون امر به معروف و نهی از منکر یک سیستم نظارت و کنترل همگانی و فراگیری را به وجود آورده است، که مشارکت همه‌ی افراد جامعه را در بهبود و رشد و تعالی جامعه در بر خواهد داشت.

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز خوشبختانه بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده است: "در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ی ای است همگانی و متفاوت، بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند" (منصور، ۱۳۸۷: ۲۶).

اسلام، راهکار اجتماعی کارآمدی برای ایجاد سیستم نظارت همگانی در جامعه اسلامی تدارک دیده است و آن فریضه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (سوره‌ی توبه/۷۱).

«مردان و زنان مؤمن، بعضی ولی بعضی دیگرند، به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند».

حضرت علی (ع) در جای دیگر این فرمان در باب کنترل و نظارت مستقیم مدیریت جامعه می‌فرماید: "الا ای مالک! هرگز از جریان امور کشور و طرز سلوک حکام با رعیت لحظه‌ای غافل مباش و به جزئیات امور شخصا رسیدگی کن" (فاضل، ۱۳۶۱: ۳۳).

موارد دیگر در نهج البلاغه به شرح زیر است: "مالک، یکبار در دبیرخانه قدم گذار و از احوال دبیران حکومت لختی باز پرس، دبیر خانه در سازمان حکومت نقطه‌ای بس حساس و خطیر است، تا نکند که نویسندگان زشت کردار و فاسد در دارالانشای تو قلم برگیرند و ستم کنند" (فاضل، ۱۳۶۱: ۳۸).

"مالک، با همه‌ی سفارش‌ها که در این فرمان به منظور حکمرانان و قضات ایراد شده باز هم مطمئن نتوانم بود مگر در موقعی که در برنامه‌ی مشخص خود هر ماهه یک روز بار عام دهی و عموم مردم را یکجای ملاقات کنی و مخصوصاً حاجتمندان و دادخواهان را به نام، پیش خوانی و به اصرار از تظلم و عرایض آنها تحقیق کنی" (فاضل، ۱۳۶۱: ۴۴).

#### ۴. نظارت غیرمستقیم

در این روش یک مدیر اسلامی کار نظارت بر جامعه و سازمان را از طریق بازرسان مخفی انجام می‌دهد، افرادی که مورد اعتماد او هستند.

حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر در این زمینه چنین می‌فرماید:

"... مقتضی است به منظور انجام این مسئولیت بزرگ (فرمانداری مصر) بر عمال خویش گروهی بازرسان مخفی بگماری تا پنهانی تو را از چگونگی امور مملکت مستحضر دارند..." (فاضل، ۱۳۶۱: ۳۲).

حضرت علی (ع) درباره‌ی وفاداری و صداقت بازرسان مخفی به مالک چنین می‌فرماید:

"ثم تفقد اعمالهم و ابعت العیون من اهل الصدق والوفا علیهم فان تعاهدک فی السر لامورهم حدوده لهم علی استعمال الامانه و الفرق بالرعیه".

"پس ای مالک! در کارهای کارمندان کاوش کن و چشم‌هایی را به عنوان بازرس که دارای خصوصیات صداقت و وفاداری هستند

استاد مطهری (ره) مفاد این آیه را، چگونگی رابطه‌ی مؤمنان با یکدیگر می‌داند و «امر به معروف و نهی از منکر» را ناشی از ولاء ایمانی مسلمانان دانسته و لذا با کیفیت خاصی، این دو مسئله را به ولاء آنها نسبت به یکدیگر ارتباط داده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۷).

وی همچنین در تفسیر آیه‌ی یادشده، می‌گوید: «لازمه ایمان حقیقی و واقعی، نه ایمان تقلیدی و تلقینی رابطه‌ی و داد و علاقه به سرنوشت یکدیگر است» (مطهری، ۱۳۶۰: ۷۶).

استاد ضمن نقل روایتی از امام باقر (ع) اهمیت نظارت همگانی را در فرایند توسعه‌ی جامعه‌ی اسلامی یادآور می‌شود که «به وسیله اصل امر به معروف و نهی از منکر، دیگر فرایض نیز حیات می‌یابد، راه‌ها امن می‌گردد، کسب‌ها حلال می‌شود، مظلالم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردد، زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در نهایت اینکه کارها به این سبب سامان می‌یابد» (مطهری، ۱۳۶۰: ۷۷ و ۸۷).

استاد در جای دیگری حتی سلطه‌ی اسرائیل را بر فلسطینیان در اثر فقدان امر به معروف و نهی از منکر می‌داند (مطهری، ۱۳۸۱، جلد ۱: ۳۱۱).

استاد مطهری (ره) ضمن نقل روایتی از پیامبر اکرم (ص)، اهمیت نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر را این گونه بیان کرده است: «گروهی از مردم در یک کشتی سوار شدند و کشتی سینه‌ی دریا را می‌شکافت و می‌رفت. هر یک از مسافران در جایگاه مخصوص خود نشسته بودند. یکی از مسافران به عذر این که اینجا که نشسته‌ام جایگاه خودم است و تنها به خودم تعلق دارد، با وسیله‌ای که در اختیار داشت به سوراخ کردن همان نقطه پرداخت. اگر سایر مسافران همان‌جا، دست او را گرفته و مانع می‌شدند، غرق نمی‌شدند و مانع غرق شدن آن بیچاره نیز می‌شدند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۹).

حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «امروا بالمعروف و انهوا عن المنکر»: «امر به معروف و نهی از منکر نمایید» (جنتی، ۱۳۸۴: ۱۲۷) و در جای دیگری می‌فرماید: «رحم الله رجلا اعان سلطانه علی بره»: «خدا رحمت کند مردی را که سلطانش را بر کار نیکش کمک نماید» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۵۹۲).

استاد مطهری (ره)، درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر در بحث عوامل تعالی و انحطاط جامعه و نهادهای آن بر اساس قرآن، چهار عامل: عدالت و بی‌عدالتی، اتحاد و تفرقه، فساد و صلاح اخلاق و اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر را در ترقی یا انهدام جوامع مؤثر می‌داند و از آیه ۷۹ سوره مائده استنباط می‌کند که ترک امر به معروف و نهی از منکر در هلاکت و انهدام یک ملت مؤثر است (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۰۶ و ۲۰۷).

اجرای این شیوه‌ی حسنه در مدیریت دینی نیازمند دو مؤلفه‌ی اساسی است: انتقادپذیری مدیران جامعه‌ی اسلامی و مسئولیت و پاسخ‌گویی آنان به مردم. این مهم جز با رویکرد مردم‌سالاری دینی و ارتباطات مردمی میسر نخواهد بود.

امام خمینی (ره)، درباره‌ی اهمیت نقش نظارت همگانی و نظارت مردم بر مسئولان، با خضوع تمام می‌فرماید: «نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی. خودت را حفظ کن. مسئله‌ی مهم این است که همه‌ی ملت موظف‌اند به این که نظارت داشته باشند» (امام خمینی، صحیفه‌ی نور: ۳۳ و ۳۴).

استاد مطهری (ره)، ضمن بیان سوءاستفاده‌ی حاکمان از امر به معروف و نهی از منکر، در این باره می‌نویسد: پشتوانه‌ی حاکمان برای استدلال‌های سیاسی استبدادآمیزانه، اعتقاد به خدا بود. آنان مدعی بودند که حکمران در مقابل مردم مسئول نیست، بلکه او فقط در برابر خدا مسئول شمرده می‌شود و از دیگر سوی، مردم در مقابل حکمران مسئول‌اند و وظیفه دارند. به دیگر سخن؛ مردم هیچ‌گونه حقی در نظارت بر کار حاکم ندارند و در برابر حاکم مکلف و موظف شمرده می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۵۳).

«از نظر فلسفه اجتماعی اسلامی، نه تنها نتیجه اعتقاد به خدا، پذیرش حکومت مطلقه افراد نیست و حاکم در مقابل مردم مسئولیت دارد، بلکه از نظر این فلسفه، تنها اعتقاد به خداست که حاکم را در مقابل اجتماع مسئول می‌سازد و افراد را ذی‌حق می‌کند و استیفای حقوق را یک وظیفه لازم شرعی معرفی می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۵۴).

استاد مطهری (ره)، مسئولیت را بر اساس آموزه‌های اسلامی امری همگانی و اجتماعی می‌داند. به باور وی: «در اسلام، خود مسئولیت با لفظ مسئولیت عنوان شده است؛ کلکم راع و کلکم



به معروف و نهی از منکر را احاطه کرده است، آن است که این فریضه به جنبه‌های فردی و زندگی خصوصی تقلیل یافته است: «ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها که تجاهر می‌شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم» (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۰).

در جایی دیگر می‌گوید: «تصور عامه مردم ما درباره امر به معروف این است که به بند کفش و دکمه لباس و موی سر و دوخت جامه مردم ایراد بگیریم، در صورتی که اینها منطقه آزادی مردم است، منطقه آزادی افراد غیر از محیط و جو اجتماعی است» (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۰).

به گفته ی مطهری (ره)، بسیاری از نهی از منکرها مطابق شرایط و قانون امر به معروف و نهی از منکر نیست، بلکه خود آنها در شمار منکراتی است که مطابق این فریضه باید جلو آنها گرفته شود (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۰ و ۸۱).

استاد مطهری (ره) از مطرح کردن بحث فقدان ضرر در انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط برخی از علمای اسلامی اظهار تأسف می‌کند و بر این باور است که موضوع امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت حیاتی است، نمی‌توان به صرف احتمال ضرر آن را ترک نمود، بلکه در چنین مواردی اگرچه با ضرر جانی و مالی و... همراه باشد، می‌بایست به امر و نهی پرداخت. چنان که امام حسین (ع) با فرض خطرات و ضررهایی که احساس می‌کرد، مبادرت به امر و نهی نمود. وی ادامه می‌دهد: «اینجا که می‌گویند احتمال، نه معنایش این است که برو در خانهات بنشین، بعد بگو من احتمال اثر می‌دهم، احتمال اثر نمی‌دهم. این که پاکی و نجسی نیست. در این موارد باید بروی کوشش کنی، حداکثر تحقیق را بکنی، تا ببینی و بفهمی که آیا به نتیجه می‌رسی یا نمی‌رسی. کسی که بی‌اطلاع است و دنبال تحقیق هم نمی‌رود تا بفهمد از این امر به معروف و نهی از منکرش به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد، چنین عذری ندارد. یا آن دیگری که می‌گوید: آقا! من که قدرت ندارم. اسلام هم می‌گوید بسیار خوب، ولی برو قدرت به دست بیاور. این شرط وجود است نه شرط وجوب؛ یعنی گفته‌اند تا ناتوانی، دست به کاری نزن که به نتیجه نمی‌رسی؛ ولی برو توانایی را به دست آور تا بتوانی به نتیجه

مستول عَنْ رَعِيْتِهِ». علاوه بر اینکه استاد مطهری از سویی مسئولیت اجتماعی را «مهم‌ترین و انسانی‌ترین مسئولیت‌ها» برمی‌شمارد. وی انواع مسئولیت‌های آدمی را به «فردی»، «خانوادگی» و «اجتماعی» تقسیم می‌کند و معتقد است که مسئولیت اجتماعی در میان انواع مسئولیت‌های انسان، شریف‌ترین و عالی‌ترین است؛ زیرا «آن دو مسئولیت، از ناحیه عواطف طبیعی حمایت می‌شوند، برخلاف این مسئولیت» (مطهری، ۱۳۸۲: ۸۵ و ۷۶).

استاد مطهری (ره)، درباره ی محدود شدن امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی می‌گوید: «معروف و منکر آن معنای وسیع خود را از دست داده و محدود شده‌اند به یک سلسله مسائل عبادی، که بدبختانه آن هم عملی نمی‌شود» (مطهری، ۱۳۶۰: ۷۸).

البته استاد مطهری (ره) محدود شدن این فریضه ی الهی را به مسایل عبادی رد نمی‌کند اما آن را دچار آسیب‌هایی می‌داند و می‌نویسد: «مظاهری در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی ما پیدا شده که باید گفت اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر این است، خوب است متروک بماند. همان طور که وقتی انسان به سفارش‌ها و توصیه‌های پیشوایان دینی مراجعه می‌کند و یا به تاریخ دور این اصل مراجعه می‌کند متأثر و متأسف می‌شود که چرا این اصل امروز عملی نیست، وقتی هم که درباره منظره‌های هولناک و وحشیانه‌ای که در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر پیدا شده فکر می‌کند، خدا را شکر می‌کند که چه خوب شد این امر به معروف‌ها و نهی از منکرها از بین رفت و اگر بقایایی هم دارد از بین برود» (مطهری، ۱۳۶۰: ۷۹).

در جایی دیگر می‌گوید: «همان‌طور که درباره آزادی گفته شده است: ای آزادی چه جنایت‌ها که به نام تو نشد! باید گفت: ای نهی از منکر چه منکراتی که به نام تو نشد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

همچنین در موردی دیگر در این باب می‌گوید:  
«در گذشته نزدیک، یک‌عده مردم ماجراجو و شرور بالطبع، که می‌خواستند ماجراجویی کنند و حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دادند» (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۰).

در باور استاد مطهری (ره)، یکی از آسیب‌هایی که امر



این صورت این فریضه‌ی الهی از مسیر خود منحرف می‌شود و آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه‌ی دینی در بر خواهد داشت.

آزادی و اختیار شرط لازم مسئولیت است. مطهری (ره) در این باره می‌گوید: «آزادی و اختیار انسان در کارهای خود شرط لازم مسئولیت است نه شرط کافی. اما اینکه شرط لازم است؛ زیرا با عدم آزادی، مسئولیت معنی ندارد، مثل این است که بگوییم این آتش سبب سوزاندن فرش است. آتش سبب سوزاندن فرش است اما هر سببی مسئول نیست». «مسئولیت در جایی اعتبار می‌شود که علاوه بر آزادی و آگاهی و توانایی، رسالت و تکلیف هم در کار باشد؛ یعنی رسالت در مورد کارهایی است که انسان به عنوان یک وظیفه و یک تکلیف انجام می‌دهد. در کارهای غریزی و فردی که انسان تحت تأثیر یک میل فردی یا یک ترس فردی انجام می‌دهد، مسئولیت بی‌معنی است. در واقع مسئولیت صرفاً در مورد کارهایی صادق است که انسان تحت تأثیر و تدبیر عقل و یا اراده اخلاقی انجام می‌دهد، نه کارهایی که تحت تأثیر جاذبه میل‌ها و دافعه خوف‌ها انجام می‌دهد، قهراً مربوط می‌شود به حوزه واقعی آگاهی و انتخاب، نه غریزه» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷: ۸۰ و ۸۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که نظارت و کنترل یکی از وظایف اجتناب‌ناپذیر مدیران جامعه‌ی اسلامی تلقی شده است و نقش مهمی در توسعه‌ی منابع انسانی سازمان و جامعه دارد و مدیریت را در تصمیم‌گیری‌های یاری می‌بخشد، لازم است که مدیران جامعه اسلامی با این وظیفه‌ی خطیر آشنایی بیشتری کسب کنند و به خاطر کمال فرد و سازمان و جامعه به طور مستمر بر عملکرد انسان‌ها در جامعه، نظارت و کنترل داشته باشند و با مشخص کردن محاسن و معایب آنها در مسیر کمال انسان و تحقق اهداف جامعه گام‌های اساسی را بردارند.

همچنین ضروری است که نظارت و کنترل از دیدگاه مدیریت اسلامی به ویژه فرمایشات حضرت علی (ع) به مالک اشتر نخعی مورد توجه و عنایت مدیران جامعه قرار گیرد و ترس از خدا و نظارت خدا بر اعمال و کردار انسان و خودنظارتی به عنوان ارزش‌های والای اسلامی در جامعه متبلور شود و نظارت

بررسی» (مطهری، ۱۳۸۱، جلد ۱: ۲۶۸ - ۲۶۶ و ۳۰۷).

استاد مطهری (ره) اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر را منوط به برنامه ریزی جمعی می‌داند و می‌نویسد: «گذشته از اینکه ما، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید عمل را دخالت دهیم، به این نکته هم توجه داشته باشیم که عمل هم، اگر فردی باشد چندان مفید فایده نیست، خصوصاً در دنیای امروز. این هم یک مشکلی است در زندگی اجتماعی ما که آنهایی هم که اهل عمل می‌باشند، توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح «تکرو» می‌باشند. از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فرد کاری ساخته نیست، از تصمیم فرد کاری ساخته نیست؛ همکاری و همفکری و مشارکت لازم است» (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۷).

«این مسئولیت را نمی‌توان فردی انجام داد؛ چه در شکل مسالمت و نیکوکاری و چه در شکل درگیری، وحدت و همکاری و قدرت لازم است» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۷: ۸۷).

استاد شهید مطهری (ره) در جای دیگری بر همکاری و مشارکت و آگاهی مردم در امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند: «آگاهی باید اجتماعی و دسته‌جمعی و تعاونی و حزبی باشد، تشکّل و نظم و تقسیم کار لازم است و از طرف دیگر تصمیم و اراده و اجرا و قطعیت اجرایی ضرورت دارد. این تعهد اجتماعی از نظر اجرایی نیز مانند جنبه‌ی آگاهی نیازمند به تعاون و همکاری است» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۴۸ و ۲۴۹).

وی آگاهی و بینش را در نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، مقدم بر همکاری و مشارکت می‌داند و می‌نویسد: «این تعهد و صلاحیت می‌خواهد و این صلاحیت دو وظیفه مهم ایجاد می‌کند: یکی آگاهی و خیرت و بصیرت اجتماعی در کارها که از آن کسان نباشیم که «ما یُفْسِدُهُ أَكْثَرُ مِمَّا یُصْلِحُهُ» و به عبارت دیگر رشد اجتماعی؛ دیگر تعاون و همکاری و تحصیل قدرت. اول علم و بینش است و دومی قدرت. از نظر علمی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی لازم است و از نظر قدرت، تجمع و تشکّل و تهیه وسایل و اسباب و لوازم و نفوذ در سطح عالی اجتماع» (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۴۸).

نگارنده نیز بر این باور است که هموار کردن راه نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر به منزله‌ی مسئولیتی اجتماعی تنها از طریق آگاهی و شناخت آن ممکن است. در غیر

و کنترل اسلامی در جامعه جایگزین روش‌های غربی شود؛ علاوه بر آن تأکید بر نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اندیشه‌های استاد شهید مطهری (ره)، باید دغدغه‌ی اصلی مدیران جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد.

همه افراد جامعه نیازمند نظارت و کنترل می‌باشند. استاد مطهری (ره) نظارت عمومی را به شکل اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌کند. و نظارت را کاری گروهی و نه فردی می‌داند. وی امر به معروف و نهی از منکر را مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌داند و آن را یک مسئولیت اجتماعی تلقی می‌کند.

بدان امید که جامعه‌ی دینی ما در این مسیر بتواند در جهت پیاده کردن ارزش‌های اسلامی و تحقق اهداف جامعه‌ی اسلامی همچنان موفق و پیروز باشد.

#### پیشنهادهات

در راستای تحقق اهداف جامعه‌ی اسلامی، اجرای الگوی نظارت و کنترل مدیریت اسلامی، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی دینی پیشنهاد می‌شود:

۱. مدیران نهادها و سازمان‌های جامعه در جهت ساختن افراد و هدایت آنها به سوی کمال، تلاش وافر داشته باشند تا افرادی خدا ترس و با ایمان، به امور مردم و ارباب رجوع مشغول کار باشند.

۲. از گماردن بازرسان علنی و آشکار در سازمان پرهیز شود؛ زیرا ممکن است که آنان خود به یک قطب قدرت تبدیل شوند و مشکلاتی را برای سازمان ایجاد کنند.

۳. نظارت و کنترل بر کار بازرسان مخفی فراموش نشود؛ زیرا در طول زمان آنان نیز آسیب پذیر خواهند بود.

۴. هدف مدیریت سازمان‌ها از نظارت و کنترل، مچ‌گیری، تفتیش و گرفتن نقطه ضعف کارمند نباشد، بلکه بهبود امور جاری سازمان و هدایت کارمند هدف اصلی نظارت و کنترل قرار گیرد.

۵. بر نظارت و کنترل درونی بیشتر از بعد بیرونی آن تأکید شود تا افرادی در سایه‌ی مدیریت اسلامی و مدیریت حضرت علی (ع) تربیت شوند که خود مدیر و ناظر خود باشند و نیازی به

نظارت و کنترل نداشته باشند.

۶. وزارت تحقیقات، علوم و فن‌آوری دوره‌هایی را تحت عناوین نظارت، کنترل و ارزشیابی در مدیریت اسلامی برای مدیران همه سازمان‌ها طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا کند.

۷. تحقیقات بیشتری در زمینه‌ی نظارت، کنترل و ارزشیابی در مدیریت اسلامی انجام شود.

۸. نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی دینی، فرهنگ سازی شود. برای آگاهی مردم در این زمینه، آموزش و پرورش، صدا و سیما و رسانه‌های جمعی، بیشترین تلاش را باید داشته باشند.

#### منابع:

- الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۶۰). قرآن کریم (ترجمه).
- اقتداری، علیمحمد. (۱۳۷۵). سازمان و مدیریت. انتشارات دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران.
- افجه ای، سید علی اکبر. (۱۳۶۲). کنترل و نظارت بر منابع انسانی در مدیریت اسلامی. روزنامه‌ی اطلاعات، ضمیمه‌ی اقتصادی یکشنبه ۶۲/۲/۱۸.
- افجه ای، سید علی اکبر. (۱۳۶۴). مدیریت اسلامی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- پرهیزکار، کمال. (۱۳۵۷). تئوری‌های مدیریت. چاپ سوم. تهران: ناشر، مؤلف.
- تصدیقی، محمدعلی. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر مدیریت آموزشی. شهرضا: دانشگاه آزاد اسلامی.
- تقوی دامغانی، سیدرضا. (۱۳۷۰). نگرشی بر مدیریت اسلامی. تهران: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.
- جنتی، احمد. (۱۳۸۴). ترجمه‌ی تحف العقول: ابو محمد الحسن بن علی بن الحسن بن شعبه الحرانی. تهران: امیرکبیر.
- حر عاملی، محمدبن حسین. (۱۳۸۶). وسائل الشیعه. مصحح: عبدالرحیم ربانی شیرازی. تهران: کتابچی.
- سردمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹). مدیریت اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عسگریان، مصطفی. (۱۳۶۳). سازمان و مدیریت آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- علاقه بند، علی. (۱۳۵۸). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات رز.
- علاقه بند، علی. (۱۳۷۴). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فاضل، جواد. (۱۳۶۱). سخنان علی از نهج البلاغه (ترجمه). تهران: چاپ رنگین.
- فیض الاسلام. (۱۳۷۸). نهج البلاغه علی (ع) (ترجمه و شرح). تهران: انتشارات فیض الاسلام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). ولاء‌ها و ولایت‌ها. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ج ۵). تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). یادداشت‌های استاد مطهری. چاپ نخست. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). مجموعه آثار. چاپ دوم. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰). ده گفتار. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). حماسه حسینی. ج ۱. تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۹). صحیفه‌ی نور. جلد هفتم. تهران: انتشارات مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- میرکمالی، سید محمد. (۱۳۶۴). اصول مدیریت. تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- مرکز اسناد و مدارک علمی. (۱۳۶۲). واژه‌نامه آموزش و پرورش. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
- مدنی، داود. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت. تهران: دانشگاه پیام نور.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۷۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دوران.
- هـ س. یولا. (۱۳۶۲). ارزیابی آموزشی. ترجمه عباس بازرگان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هیئت تحریریه. (۱۳۶۲). انسان کامل از دید نهج البلاغه. تهران: مؤسسه مکتبایی اسلام شناسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی